

پدیده ای لاینحل به نام کودکان کار

سرور میرحسینی

گزارش

مساله وجود دارد. کودکان کار و خیابان عموماً کودکان مهاجری هستند که در حاشیه‌های شهری، بافت‌های فرسوده و مناطق کم برخوردار سکونت دارند، و بخش زیادی از این کودکان از کشورهای همسایه (افغانستان و...) هستند که معمولاً پدر یا مادر یا هر دوی آنها تابعیت افغانی دارند. تعدادی از این کودکان نیز حاصل ازدواج زوج ایرانی و افغانی هستند.

از آنجا که برای این کودکان و خانواده‌ها محدودیت‌های قانونی متعددی وجود دارد و به دلیل فقر مجبور به امرار معاش از طریق کار و تکیه بر خیابان می‌شوند. از سوی دیگر در خصوص مباحث مربوط به سرپرستی، این کودکان بیشتر در معرض طلاق والدین قرار دارند. از این منظر به دلیل خلأها و مشکلات قانونی در حوزه سرپرستی این کودکان به مقدار بیشتری از این مساله دچار آسیب می‌شوند.

همچنین در این خانواده‌ها به دلیل فقر، نبود آموزش کافی و استرس‌های روانی - اجتماعی، خشونت علیه کودکان و کودک آزاری به مقدار بیشتری حضور دارد و همین مساله نیز به عنوان یک ریسک فاکتور عمده بحث سرپرستی و یا بدسرپرستی عمل می‌کند. مساله دوم، مساله طلاق‌های منشعب شده از اعتیاد است.

در نتیجه اعتیاد، پدران و مادرانی خواهیم داشت که مستعد خشونت علیه کودکان هستند، خشونت فیزیکی، عاطفی و کلامی دارند و در تربیت فرزندان دچار غفلت و بی‌توجهی هستند. عملاً از اینچنین والدینی با عنوان بدسرپرست نام برده می‌شود. پر واضح است که این سبک رفتاری به نتایج مثبتي منجر نخواهد شد. در نبود سرپرست، مساله دیگری هم دخیل است. بسیاری از کودکان، کودکان سر راهی یا کودکان فاقد والدین هستند که معمولاً در کنار پدربزرگ و مادربزرگ‌ها و یا افراد دیگر رشد و زندگی کرده‌اند و بعد از ورود به سنین بالاتر و پررنگ شدن مسائل اقتصادی برای آنان، مجبور به کار در خیابان می‌شوند.

مساله سوم، تک سرپرستی است. به این معنا که به دلیل طلاق والدین و یا غیبت پدر یا مادر، کودک مجبور به زندگی در کنار فقط یکی از والدین است به ویژه کودکانی که با مادر به تنهایی زندگی می‌کنند به دلیل وضعیت نامناسب اشتغال زنان سرپرست خانوار و فقر منشعب از آن این کودکان نیز آسیب‌پذیر هستند و مجبور به کار در سنین پایین می‌شوند.

نقش انحرافات جنسی و اختلالات جنسی کودکان در ایجاد پدیده کودکان کار و

متکدی چگونه است؟

به جای اینکه کودک کار و کودک خیابان بودن، معلول این قضیه باشد، به میزان بیشتر علتی است برای ایجاد اختلالات و انحرافات جنسی. چون این کودکان در پارک‌ها، خیابان‌ها و در دید کلی‌تر در مکان‌های جرم‌خیز مشغول فعالیت هستند با صحنه‌هایی (اعم از جنسی، خشونت و...) مواجه می‌شوند که مشاهده آن‌ها برای کودک مناسب و متناسب نیست و این مواجهه پیش از موعد و ناایمن با این صحنه‌ها و اطلاعات یک عامل خطر عمده در شکل‌گیری انحرافات محسوب می‌شود. اکثر این کودکان مورد سوءاستفاده و تجاوز قرار می‌گیرند، کسانی که اختلال روانی/جنسی دارند، با فهم این مساله که این کودکان حامی ندارند، بیشترین سوءاستفاده را از کودکان می‌کنند.

کودکان کار؛ زخمی بر چهره شهر

کودکان کار و خیابان تنها قربانی فقر اقتصادی یا فروپاشی خانواده نیستند؛ آن‌ها قربانی نبود سیاست‌گذاری درست و کارآمد نیز هستند. وقتی ساختار حمایتی جامعه نتواند در برابر این پدیده واکنش نشان دهد، چرخه معیوب بازتولید فقر و کودک‌کار ادامه پیدا می‌کند. در واقع، کودک

تنها سیرجانی‌ها که نه بلکه تمامی ایرانیان پشت چراغ قرمز شاهد هجوم کودکان کار هستند. این امر علاوه بر نازیبا سازی چهره شهر باعث اثر سو بر روان مان هم می‌شود. رسانه‌های محلی و کشوری بارها به این موضوع و جوانب آن پرداخته‌اند و بار اولمان نیست که این موضوع را به رشته تحریر در می‌آوریم.

کودکان کار و خیابان یکی از بارزترین فرآیندهای سوءرفتار و نبود پایگاه سالم اجتماعی و عدم تامین نیازهای اولیه کودکان است که اثر مخربی بر سلامت آنها دارد. برای درک دقیق‌تر مسائل مرتبط با کودکان کار و خیابان ابتدا باید به درک دقیقی از مفاهیم این حوزه دست یابیم.

کاوه قادری، روانشناس بالینی و پژوهشگر در بررسی روانشناختی پدیده کودکان کار و خیابان و پیامدهای آن می‌گوید کودکان خیابان در کشورهای مختلف اصطلاح ویژه خود را دارند اما از پذیرفته شده‌ترین تعاریف و طبقه‌بندی‌های کودکان خیابانی، تعریفی است که یونیسف از کودکان خیابانی به عمل آورد و آنان را به دو گروه تقسیم کرد: گروه اول کودکان خیابانی، کودکان شاغل در خیابان هستند؛ از خانواده‌های کم درآمد و پرجمعیت آمده‌اند و علت بودن آنان در خیابان کسب درآمد است. در این گروه، احساس تعلق به خانواده وجود دارد اما میزان این ارتباط متفاوت است و ممکن است چند بار در سال باشد.

برخی از این کودکان به مدرسه می‌روند و هرچند ممکن است در فضای روابط درون خیابان درگیر مشکل‌هایی مانند مصرف مواد مخدر و رفتارهای خلاف قانون شوند اما به طور کلی، رفتارهای مجرمانه محدودی نسبت به گروه دوم دارند. گروه دیگر کودکان خیابانی قشر کوچک‌تری از کودکان خیابانی را تشکیل می‌دهند اما مشکلات آنان نسبت به گروه اول بسیار پیچیده‌تر است. برای این گروه از کودکان خیابانی، خیابان به منزله خانه است.

آنان در خیابان در پی سرپناه و غذا هستند و دیگر افراد خیابانی برای آنان حکم خانواده را پیدا کرده‌اند. این کودکان با مدرسه بیگانه‌اند و ممکن است در شرایط ناامن، قربانی آزار جسمی و جنسی شوند. بسیاری از کودکان این گروه مورد سوءاستفاده گروه‌های غیرقانونی و تبهکار قرار گرفته‌اند و از آنان در قاچاق و توزیع مواد مخدر، دزدی و سایر فعالیت‌های خلاف قانون مانند تجارت جنسی کودکان استفاده می‌شود. برخلاف پدیده فرار که آمار دختران در آن بالاتر است، بیش از ۹۰ درصد کودکان کار و خیابان را پسران تشکیل می‌دهند.

مهم‌ترین علل بروز پدیده کودکان خیابانی با توجه به وضعیت سرپرستی آنها چه

چیزی است؟

بررسی سیر تاریخی پدیده کودکان خیابانی در جهان و ایران نشان می‌دهد این پدیده ریشه تاریخی دارد. با وقوع انقلاب صنعتی در قرن ۱۸ سیر هجوم روستاییان به شهرها برای کار در کارخانه‌ها و درآمد بیشتر آغاز شد. این امر موجب حاشیه‌نشینی برخی از افراد جامعه شد که یا بیکار ماندند یا به جهت عائله‌مندی و عدم مهارت کافی درآمد مناسبی پیدا نکردند.

در این شرایط کودکان متکدی قارچ‌گونه در شهرهای بزرگ رشد و نمو یافتند. برای کودکان کار و خیابان که مجبور به امرار معاش هستند، چند